



# انترناسیونال

## ۷۲

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۹ بهمن ۱۳۸۳، ۲۸ ژانویه ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

## فستیوال آدم برفیها در کردستان، جلوه درخشان احترام به حقوق کودکان!



”در هر جامعه ای احترام به کودکان و حقوق کودک  
یک شاخص پایه ای از احترام به انسان و انسانیت است.“

پیام حمید تقوایی به مردم آزاده کردستان  
به مناسبت برپایی با شکوه جشن کودکان

ای احترام به کودکان و حقوق کودک  
یک شاخص پایه ای از احترام به

صفحه ۲

مردم آزاده کردستان!  
صمیمانه ترین درودها و تبریکات  
مرا به مناسبت برپایی پر شکوه  
جشن کودکان بپذیرید. در هر جامعه



www.zabanu.com

## صعود به قله های کلون بستک و توچال به یاد کارگران جانباخته خاتون آباد



گذشته در تاریخ چهارم بهمن ماه در  
شهر بابک کرمان به علت اعتراض به  
اخراج و از دست دادن کارشان توسط  
عمال سرمایه به گلوله بسته شدند و  
۴ تن از آنان جان خود را از دست  
دادند، دهها تن از کارگران واحدهای

صفحه ۳

صعود به قله های کلون  
بستک و توچال  
در سالروز جان باختن  
کارگران شهر بابک کرمان

به مناسبت گرامیداشت یاد کارگران  
جان باختن مس خاتون آباد که سال



فستیوال آدم برفی، دریچه ای بسوی آزادی و برابری،  
انسانیت و تمدن، مدرنیسم و سکولاریسم

صفحه ۲

پیام آذر ماجدی رئیس دفتر سیاسی

دور جدیدی از مبارزه معلمان آغاز میشود

شهلا دانشفر

صفحه ۲

کارگران ایران خودرو

در همبستگی طبقاتی با کارگران جانباخته خاتون آباد

صفحه ۳

دهه طلوع فقر و زجر!

محمد شکوهی

صفحه ۳

متن کامل ”اعتصاب مدرسه انقلاب“ نوشته اصغر کریمی  
به صورت انترناسیونال ضمیمه ۷۲ امروز منتشر میشود

پیشروی انقلاب با افق کمونیسم کارگری!

صفحه ۳

خسرو ساعی - ایران

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## پیام حمید تقوایی

از صفحه ۱



## دور جدیدی از مبارزات معلمان آغاز میشود

شهلا دانشفر

خواستهایشان پاسخی داده نشود، دوباره دست به اعتصاب خواهند زد. این اعتراضات از سوی معلمان ادامه دارد. معلمان میگویند قول و وعده نمیخواهند، بلکه خواستهایشان را میخواهند. افزایش اساسی در سطح حقوقهایشان را میخواهند. دیگر حاضر نیستند زیر خط فقر زندگی کنند و خواهان خاتمه اینهمه حقارت و شرایط برده وار کار خود هستند.

یک مساله دیگر معلمان بکارگیری معلمان حق التدریس با کمترین حقوق و با فشار بالای کار است. یک خواست معلمان در قطعنامه های اعتصابات سراسری شان در دیماه گذشته استخدام رسمی کارگران قرار دادی بود. معلمان قرار دادی در تابستان امسال و در طول سال گذشته بارها و بارها تجمع کردند و خواهان رسمی شدن استخدام خود در آموزش و پرورش شدند. اکنون معلمان قراردادی میگویند که ۵ ماه از قول و وعده های رژیم میگذرد و تا کنون هیچ پاسخی نگرفته اند. معلمان قراردادی اعلام کرده اند که روز ۱۷ بهمن ماه در مقابل محل آموزش و پرورش در تهران دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

اینها همه شواهدی بر جنب و جوشی تازه در میان معلمان و شروع دور جدیدی از مبارزه در میان آنان است. اکنون که دامنه اعتراضات نه تنها در میان معلمان بلکه در میان پرستاران و کارگران و بخش های دیگر جامعه هر روز گسترده تر میشود، معلمان نیز بر مبارزات خود شدت بیشتری داده اند.

باید تمامی معلمان در تمامی شهر به حرکت اعتراضی معلمان در دزفول، همدان و آبادان و به اجتماعات اعتراضی معلمان حق التدریس در ۱۷ بهمن بپیوندند. نباید گذاشت که ارباب و تهدید صفوف اعتراض معلمان را متفرق کند. نباید گذاشت معلمان دزفول تحت فشار جو سرکوب و فشار به

علیرغم چندین سال اعتراض و مبارزه معلمان هنوز پاسخ خواستهایشان را نگرفته اند. معلمان خواهان افزایش حقوقهایشان هستند. معلمان به تبعیض، به خفقان، به نداشتن حق تشکل و حق اعتصاب و نداشتن کوچکترین تامین اجتماعی از جمله مسکن و بیمه درمانی مناسب معترضند. باز دیگر زمزمه اعتراض در میان معلمان بالا گرفته و قرار و مدارها برای برپایی اعتراضاتی گسترده از سر گرفته میشود. روز شنبه ۳ بهمن ماه معلمان دزفول اعتصاب سه روزه خود را به منظور رسیدگی به خواستهایشان شروع کردند. اما در این حرکت اعتراضی معلمان دزفول مورد تهدید و ارباب عوامل حکومتی قرار گرفتند و شماری از آنان دستگیر و تعدادی از فعالین این جنبش اعتراضی تهدید شدند.

معلمان دزفول به این تهدید و ارباب معترض بوده و قنبرزاده رییس آموزش این شهر را مسبب آن میدانند. همزمان با این حرکت اعتراضی، اعتصابی سه روزه در همدان بر پا شد و عدم حضور تعدادی از معلمان در این شهر در کلاسهای درس موجب نگرانی مقامات شهر گردید. از جمله عبدالرضا فولادوند در گفتگو با خبرگزاری ایلنا میگوید: "با وجود جلسات مکرر مسئولین استان و قولهای داده شده نتیجه ای برای حضور معلمان در کلاس های درس حاصل نشده است." از سوی دیگر معلمان آبادان نیز از روز شنبه ۲ بهمن ماه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و ارتقای شغلی و اضافه کاری ۴ ماه خود دست به اعتصاب زدند. در این حرکت اعتراضی معلمان علیرغم تهدید و ارباب نیروهای اطلاعات و حراست به اعتراضشان ادامه دادند و با امضای طوماری اعتراضی به مقامات دولتی مهلتی ۲۰ روزه تعیین کردند و اولتیماتوم دادند که اگر تا تاریخ ۲۶ بهمن ماه به

زحماتشان، بخاطر سازماندهی و راه اندازی چنین جشنی تبریک می گویم. باید بگوئیم که فستیوال آدم برفی و ارزش هایی که نمایندگی می کند در کل جامعه گسترش یابد و به یک سنت پایدار در ایران بدل شود.

جشن میگیرید. این حرکت پیشرو و انسانی فریاد کل مردم ایران علیه نظام ضد کودک، ضد زن و ضد انسانی جمهوری اسلامی است. این سنت انسانی را، که دو سال قبل از سنج آغاز شد و امسال چندین شهر دیگر کردستان را در بر گرفته است، باید پاس داشت و آنرا به همه شهرها در سرتاسر ایران گسترش داد.

دست همگی شما را به گرمی میفشارم و در آغوشتان میگیرم. به امید روزی که پیروزی بر نظام ضد انسانی جمهوری اسلامی را در سراسر ایران جشن بگیریم.

## حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران  
۲ بهمن ۱۳۸۳، ۲۱ ژانویه ۲۰۰۵

## پیام آذر ماجدی به برگزار کنندگان و شرکت کنندگان در فستیوال آدم برفی در شهرهای کردستان

## دوستان عزیز!

جلوه هایی از فرهنگ حاکم در جامعه آزاد و برابر آینده ایران است که بر ویرانه های سنن و فرهنگ سنتی و ملی - مذهبی بطور کامل ظهور خواهد کرد.

شعاری که بر پرچم سرخ در این فستیوال بطور برجسته ای به چشم میخورد: "کودکان مقدمند" چکیده خواستها و امیال و آرمان این جنبش است. کودکان مقدمند به این معنا است که هیچ منفعت اقتصادی، سیاسی، ملی، ناسیونالیستی و فرهنگی بر منافع و حقوق کودک نمی تواند و نباید پیشی بگیرد. به این معنا است که کودکان در مرکز توجه جامعه قرار دارند و تامین یک زندگی شاد، سالم، مرفه و ایمن برای کودکان مهمترین امر جامعه است. جامعه در مقابل کودکان و تامین شادی، سلامت، رفاه و ایمنی آنها مسئول است. "کودکان مقدمند" به روشنی و صراحت نیت، هدف و خواست این جنبش مدرن و انسانی، آزادیخواه و برابری طلب را بیان می کند. موقعیت و حقوق کودک در هر جامعه ای معیاری است از پیشرفت و موقعیت انسان در آن جامعه.

چنین سنتی، چنین واقعه ای در منطقه اسلامزده بی نظیر است. منطقه ای که در چنگال اسلام سیاسی اسیر است. یکبار دیگر به شما بخاطر ابتکار جالب تان، بخاطر این نوآوری، بخاطر تلاش و

انسان و انسانیت است. و شما هر سال با برپایی جشن آدم برفی احترام عمیق خود به انسانیت و اراده راسخ تان را برای رسیدن به يك جامعه آزاد و برابر به نمایش میگذارید. آرزو داشتم در این روز با شما و درکنار شما باشم و از نزدیک چهره خندان کودکان در خیابانهای شهر را ببینم. جشن کودکان جشن همه ماست. مردم آزادخواه!

برپایی سالانه جشن آدم برفیها در دفاع از حقوق کودکان يك سنت پیشرو و مدرن و انسانی است! کودکان مقدمند؛ و دفاع از حقوق کودک در صف مقدم مبارزه برای رهایی و آزادی کل جامعه قرار دارد. شما در جشن آدم برفیها از جانب کل مردم ایران و در دفاع از همه انسانها به خیابان می آئید و انسانیت را

از صمیم قلب برگزاری این کنفرانس باشکوه و موفق را به شما عزیزان تبریک میگویم. فستیوال آدم برفی، فستیوال دفاع از حقوق و حرمت کودک يك سنت و فرهنگ نوین است. در جامعه ای که نظام حاکم بطور روزمره حقوق انسان، و حقوق کودک را پایمال می کند، در جامعه ای که تلاش می شود يك فرهنگ و سیستم ارزشی و ایدئولوژی عقب مانده، ارتجاعی و کودک ستیز حاکم شود، در جامعه ای که قوانین قرون وسطی در آن حکومت می کند، فستیوال آدم برفی يك نقطه امید، دریچه ای بسوی آزادی و برابری، انسانیت و تمدن، مدرنیسم و سکولاریسم، دریچه ای بسوی يك دنیای بهتر است.

جای شرف و شادی بسیار است که فستیوال آدم برفی در دفاع از حقوق و حرمت کودک هر سال از سال پیش گسترده تر می شود و استقبال از آن وسعت می یابد و دارد به يك سنت پایدار بدل می شود. این فستیوال بیانگر رشد و وسعت جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه، مدرن و سکولاریستی است که ما شاهد رشد و گسترش هر روز آن هستیم. این جنبش فرهنگی متفاوت را نمایندگی می کند که در مقابل فرهنگ اسلامی، شرقزده، کلاسه مخملی، زن ستیز، کودک ستیز و پدرسالار قد علم می کند. این

معلمان معترض و رهبران اعتراضی شان به عقب رانده شوند. نباید گذاشت این اعتراضات منفرد بمانند و عقب رانده شوند. اکنون که دور جدیدی از مبارزات معلمان از سر گرفته شده باید به تدارک اعتصابی سراسری و یکپارچه برویم. معلمان تا کنون الگوهای خوبی از حرکت و اعتراض یکپارچه و سراسری از خود نشان داده اند، اعتراض و مبارزه آنها همواره جایگاه مهمی در تغییر توازن قوای سیاسی جامعه داشته است و باردیگر همه چشم ها بسوی آنان خیره شده است، باید با تمام قوا به اعتصابی یکپارچه و سراسری دامن زد.

امروز بهترین شرایط برای جلب حمایت و پشتیبانی بخش های مختلف جامعه از خواستها و اعتراضاتمان و هر اعتراض و مبارزه ایست. باید با اعلام خواستهایمان بصورت قطعنامه های روشن و با نصب این قطعنامه ها بر سر در مراکز آموزش و پرورش و فشار برای انعکاس آنها در روزنامه ها و رسانه های خبری بگوئیم تا بیشترین نیروی خود را برای اعتراضی گسترده و سراسری گرد آوریم. دانش آموزان و خانواده هایشان، کارگران، پرستاران، دانشجویان و دیگر بخش های جامعه را به حمایت از مبارزات و خواستهای برحق خود فرا بخوانیم. باید بر سر همه این مسایل در نشستهایمان در دفاتر مدارس متحد و همقول شویم، در دل ارتباطاتی که تا کنون بدست آورده ایم با معلمان در مدارس و در شهرهای دیگر ارتباط برقرار کنیم و قول و قرارهای لازم را برای برپایی اعتصابی سراسری و گسترده بگذاریم و دست بکار شویم. باید همه نیرویمان را به میدان آوریم. امروز بهترین فرصت است. فرصت را از دست ندهیم. \*

## به امید ساختن یک دنیای بهتر

آذر ماجدی

رئیس دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ بهمن ۱۳۸۳، ۲۳ ژانویه ۲۰۰۵

## کارگران ایران خودرو بیاد کارگران جانباخته خاتون آباد به مدت ۵ دقیقه دست از کار می کشند!



## دهه طلوع فقر و زجر! در حاشیه دهه فجر جمهوری اسلامی

محمد شکوهی

همبستگی و اتحاد در میان کارگران است. با این اقدام سمبولیک که باید همه کارخانه ها و مراکز تولیدی را در برگیرد، کارگران نه فقط بیاد کارگران جانباخته را گرامی می دارند که همچنین به جمهوری اسلامی نشان می دهند که به گلوله بستن کارگران را بی جواب نمی گذارند. مسیبن مستقیم جنایت خاتون آباد بهمراه همه سران جنایتکار جمهوری اسلامی باید بجرم سرکوب و خشونت علیه مردم و انسانیت محاکمه شوند. اتحاد و اراده کارگری تضمین خواهد کرد که تعدی به کارگران پاسخ درخور خود را بگیرد و مانع جمهوری اسلامی از سر راه مبارزه کارگران در دستیابی به خواستههایشان برداشته شود.

**گرامی باد یاد کارگران جانباخته خاتون آباد!  
زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری!  
مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ ژانویه ۲۰۰۴ - ۱۳۸۳ - ۲۲ ژانویه ۲۰۰۴**

جمعی از کارگران ایران خودرو با صدور اطلاعیه ای اعلام داشتند که روز ۴ بهمن بیاد کارگران جانباخته خاتون آباد ۵ دقیقه دست از کار می کشند. در این اطلاعیه از جمله آمده است که:

"ما کارگران شرکت ایران خودرو همزمان با کارگران سراسر ایران به منظور همدردی با خانواده قربانیان و اعلام همبستگی با کارگران خاتون آباد و دیگر کارگران که امنیت شغلی آنان مورد تعرض قرار گرفته است و اعلام انزجار و اعتراض علیه قوانین ضدکارگری، علیه قراردادهای موقت، علیه برده داری نوین، برای انحلال شرکتهای پیمانکار و علیه هرگونه بیکارسازی تحت هر عنوانی، روز یکشنبه چهارم بهمن ماه از ساعت ده صبح به مدت ۵ دقیقه دست از کار خواهیم کشید."

توقف کار به یاد قربانیان جنایت خاتون آباد، نشانه مهمی از ابراز

چشمان مردم گرفته و بدین وسیله و با نشان دادن این قدرت نمایی، مردم را ترسانده و روانه خانه هایشان بکنند. قرار است در عین زهر چشم گرفتن از مردمی که به کل حکومت و اسلام و جمهوری اسلامی نه گفته و می گویند و برای به گور سپردن کل بساط رژیم به میدان آمده و جنبش سرنگونی خواهی شان را به نمایش گذاشته اند، آمادگی سرکوب و خون پاشیدن به انقلاب در حال شکل گیری مردم ایران را جلوی چشمان مردم بگیرند. قرار است به مردم منتفر از اسلام و حکومت و جنایات دو دهه گذشته رژیم "گوشزد" نمایند که مبادا سودای انقلاب دیگری را در سر داشته و به صرافت تعرض به حکومت جانینان اسلامی افتاده و کارش را یکسره نمایند.

دهه فجر جمهوری اسلامی، چیزی جز فقر، فلاکت، و بی حقوقی نبوده و نیست. بی دلیل نیست که مردم این نمایشات حکومتی را به ریشخند گرفته، در آن شرکت نکرده و اسمش را دهه طلوع فقر و زجر گذاشته اند. کارگران و مردم معترض، جوانان و دانش آموزان، معلمان و پرستاران اتفاقاً در آستانه برگزاری این نمایشات دولتی مشغول متحد و منسجم کردن صفوف مبارزه شان بر علیه حکومت می باشند. دهه فجر رژیم فقط و فقط دهه ارذل و اوباش آدم کش، دهه گله های حزب الله و تروریست، دهه اعلام مذبحخانه ادامه حکومت وحشت، ترور و سرکوب جمهوری اسلامی است. مردم بساط این همه جنایت و فقر و فلاکت را بر سر برپا دارندگان خراب خواهند کرد. مردم ایران نه در نمایشان و مراسم های دهه فجر که در کارخانه ها و مراکز تولیدی، در دانشگاهها و مدارس در کل جبهه نبردی که در برابر نکت اسلامی گشوده اند، رژیم را به مصاف طلبیده اند. این مردم کار مهمتری را دارند. \*

مسکن سراسر آور است. سبد غذایی مردم و حجم نیازهای روزانه هر انسان برای زنده ماندن، دقت کنید فقط برای زنده ماندن به لحاظ کیفی ۱۰۰ درصد بدتر از قبل از سال ۵۷ شده است. بر اساس برآوردهای شورای عالی کار رژیم، برای سر و سامان دادن به وضعیت زندگی مردم و به خصوص حقوق بگیران، حداقل دستمزدها باید رقمی نزدیک به ۳۵۰ هزار تومان در ماه باشد. این در حالی است که حداقل دستمزد اعلام شده از طرف رژیم رقمی بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار تومان می باشد. ۸۰ درصد مردم قدرت و توانایی پرداختن هزینه های تحصیلی فرزندانشان را ندارند. شهریه های بالا، گرانی وسایل و نوشت ابزار، سوء تغذیه، بیماریهایی چون کم خونی، خستگی مفرط و حواس پرتی، ۸۰ درصد دانش آموزان را با مشکلات جدی روبرو کرده است. آمار و ارقامی که در اینجا آورده شده است خود به اندازه کافی گویاست. این آمار و ارقام بدون اشاره کوچک به هزینه های ثابت و جاری کل دم و دستگاههای سرکوب و سیستم حکومتی می باشد که مانند حرفای سالیانه میلیاردها تومان صرف نگهداری حکومت و دم و دستگاهش می شود.

اما هدف رژیم از به راه انداختن این نمایشات حکومتی و معرکه گیریها چیست و قرار است چه چیزی را به مردم القا نماید؟ در این شکی نیست که رژیم می خواهد با به راه انداختن دار و دسته های ارذل و اوباش بسیجی، سپاهی و خیل گله های حزب الله، به همراه دهها و صدها ارگان و باند تروریست و سرکوبگر، قدر قدرتی و دست بالا داشتن حکومت را در برابر مردم معترض به نمایش بگذارد. قرار است به مردم عاصی از نکت اسلامی نشان داده شود که رژیم هنوز از "محبوبیت و پایگاه مردمی" برخوردار است. قرار است بی شرمانه در برابر این همه فقر و فلاکت، بی حقوقی و سرکوب، زندگی جهنمی که به مردم تحمیل کرده اند، زور و قلدری، و اینکه هنوز می توانند حکومت کنند را در برابر

جمهوری اسلامی بساط معرکه گیری و مضحکه "جشنهای دهه فجر" را در سراسر کشور به راه انداخته است. میلیاردها تومان پول و دلارهای نفتی و دستمزدهای پرداخت نشده کارگران و افسار کارکن جامعه را صرف برپایی این نمایشات مضحک و دولتی کرده اند. یک قلم از این هزینه های گزاف که از طرف "ستاد برگزاری دهه فجر رژیم" که فقط برای "طرح" و راه اندازی پروژه های مخصوص این امر اعلام شده است، رقمی بالای یک میلیارد تومان می باشد. ۴۰۰ میلیون تومان هزینه صرف برگزاری "فستیوال فیلمهای" مخصوص این روز شده است. به گفته مقامات نیروی زمینی رژیم و دار و دسته های مسلح که قرار است در این روز و در آستانه ۲۲ بهمن "قدرت و توان نظامی" جمهوری اسلامی را به نمایش بگذارند، نزدیک به دو میلیارد تومان هزینه شده است. در این میان زندگی کارگران و مردم به سختی و فلاکت گذشته و سطح زندگی و درآمد مردم سیر نزولی پیدا کرده است. نگاهی کوتاه به آمار و ارقامی که از طرف خود حکومت ارائه شده است، خود گویای ابعاد درناک گذران و معیشت مردم می باشد.

سطح زندگی ۷۰ درصد مردم نزدیک به خط فقر بوده و ۱۱ میلیون نفر زیر خط فقر می باشند. دستمزدهای کارگران ماههاست که پرداخت نشده است، هزینه های بهداشت و درمان توسط رژیم زده شده است. در بودجه سال ۸۴ سرانه مبلغ هزینه شده برای بهداشت شهروندان یک جامعه ۷۰ میلیونی ماهانه ۱۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است. وضعیت مدارس اسفناک است. ۷۰ درصد مدارس و فضاهای آموزشی بالای ۵۰ سال عمر داشته و سلامت و جان دانش آموزان را تهدید و با خطرات جدی روبرو کرده است. بیمه بیکاری فقط به ۴ درصد کارگران بیکار شده که بالای ۲۰ سابقه کار دارند، پرداخت می شود. هزینه های بهداشت و درمان و مراقبتهای پزشکی و درمانی در مقایسه با اوایل انقلاب ۵۷، ۸۵ درصد تنزل پیدا کرده است. هزینه

### از صفحه ۱ صعود به قله های ...

لگام گسیخته سرمایه داری ایران و تبدیل کار از حالت رسمی و دائمی به کار روزمزدی و پیمانی با قراردادهای سفید امضاء به عنوان زمینه ساز جنایت هایی از نوع جنایت شهر بابک اعتراض کردند. لازم به ذکر است که به رغم هماهنگی های قبلی مبنی بر حضور شماری از کارگران فولاد خوزستان و تراکتورسازی تبریز در این صعود ها، متاسفانه این کارگران به دلیل گرفتاری های پیش بینی نشده نتوانستند در این برنامه شرکت کنند و تنها به اعلام پشتیبانی اکتفا کردند.

### مخالفان کشتار کارگران

۱۴ بهمن ماه ۸۳

صنعتی جاده مخصوص کرج و هم چنین نساجی کردستان همزمان به دو قله کلون بستن در شمال شرقی تهران و توچال در شمال تهران صعود کردند. این صعود ها از عصر روز پنجشنبه ۲۴ دیماه به عنوان برنامه های شبانه شروع شد و صعود کنندگان پس از هشت ساعت کوه پیمایی از مسیر های یخ و برف و بر پا داشتن چادر در قله مذکور در ساعت ۱۰ بامداد روز جمعه ۲۵ دیماه هماهنگ با هم از طریق تلفن با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام کارگران جان باخته و برافراشتن لوح و پرچم مراسم، مراتب انزجار خود را از واقعه شهر بابک اعلام داشتند و مجازات مسیبان و عاملان این واقعه ننگین را خواستار شدند. هم چنین کارگران به بیکارسازیهای

### رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۲۴۹۰ کیلوهرتز  
هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

## پیشروی انقلاب با افق کمونیزم کارگری، صف بندی راست با افق جابجایی آرام قدرت در ایران

خسرو ساعی - ایران

نگاهی به تحولات دو سال گذشته در ایران، در تمامی عرصه های مبارزه مردم برای کنار زدن رژیم جمهوری اسلامی و رهایی از نکتیت اسلام، بیانگر اراده کارگران، زنان و جوانان برای رهایی از هر نوع نابرابری اقتصادی و اجتماعی از یک سو و دست بالا پیدا کردن آلترناتیو کمونیزم کارگری در این بستر از سوی دیگر است. این چرخش در تمامی عرصه های تحولات شتابدار سیاسی و اجتماعی در ایران از خرداد و تیر ماه سال ۸۲ به این طرف بیش از هر زمان دیگری اتفاق افتاده است. بطوری که از مقطع اول مه امسال تا به امروز در ظرف مدت ۹ ماه، اغلب اعتراضات قابل توجه بخشهای مختلف جامعه، از کمونیزم کارگری متأثر بوده اند. این صراحت و تعین بخشی به آلترناتیو کمونیزم کارگری برای خلاصی از نکتیت نظام سرمایه داری و رژیم اسلامی به حدی بوده که امروزه هر کسی قادر است بدون نیاز به استدلال خاصی جهات مختلف آن را نشان دهد. اول مه، ۱۸ تیر، شانزده آذر، اعتصاب پیروزمند کارگران نساجی سنندج، همه و همه مهر کمونیزم کارگری را بر خود داشتند. نگاهی گذرا به این مقاطع بیانگر سیر صعودی این رویکرد اجتماعی و تاثیر بیش از پیش جنبش کمونیزم کارگری بر آنها بوده است. اول مه، ۱۸ تیر، شعارها و مطالبات غالباً حکایت از تاثیر غیر قابل انکار حزب کمونیست کارگری بر آنها داشت. حتی جریان هخا هم نتوانست جامعه را از شعار سوسیالیسم به پا خیز برای رفع تبعیض دور کند و نشان داد که در هر اتفاقی به نحوی کمونیسم کارگری ابراز وجود میکند. در شانزده آذر پرچمهای سرخ آزادی و برابری، نان و آزادی برای همه، آزادی زن آزادی همگان است، تصویر زنی محجبه در قفس به عنوان نمادی بر گرفته از شعار سازمان آزادی زن تحت عنوان: حجاب زندان زنان است بشکنید زندانها را و... فضای حاکم بر مراسم بود بطوریکه راست جامعه از هر رنگش، از سرنگونی طلب تا اصلاح طلب درون و بیرون حکومت

هیچگونه حضوری در مراسم شانزده آذر نداشت. بدنبال این روز سرخ با مهر بی چون و چرای کمونیزم کارگری، اعتصاب کارگران نساجی سنندج به عنوان بخشی از اعتراضات کارگری موجود در جامعه، به عرصه کشمکش علنی و تمام عیار رژیم جمهوری اسلامی با همه امکاناتش از یک سو و کارگران و حزب کمونیست کارگری از سوی دیگر تبدیل شد. این اعتصاب مصافی آشکار و تعیین کننده بین جمهوری اسلامی و جنبش کمونیزم کارگری بود. طبقه کارگر برای اولین بار حزب خود را در لحظه به لحظه مبارزه اش در کنار خود داشت.

روند رو به رشد اعتراضات بخشهای مختلف جامعه در برابر وضعیت موجود و در ماندگی رو به تزیاید رژیم اسلامی برای حفظ این وضعیت از یک سو و رویکردهای فوق در متن این اعتراضات و آرایش اجتماعی طبقه کارگر و دیگر جنبشهای برابری طلب با افق کمونیزم کارگری از سوی دیگر آن بستری است که تلاشهای جدید راست جامعه را - از سرنگونی طلب تا اصلاح طلب - برای به میان کشیدن پروژه فراندوم توضیح میدهد.

همیشه اینگونه بوده است. هر زمان که از یک طرف تلاش هر روزه مردم برای تغییر وضعیت موجود شتاب گرفته و از طرف دیگر روینای سیاسی فعلی سرمایه داری در ایران از مهار آن عاجز مانده، کلیت راست جامعه در کنار هم قرار گرفته اند تا موج ویرانگر پیش آمده را آرام و مهار نمایند. از هر جناحی در کنار هم قرار گرفته اند، از سلطنت طلب گرفته تا جمهوری خواه سرنگونی طلب تا اصلاح طلبان درون حکومت و درون کشور و بیرون حکومت و خارج کشور، همه راست جامعه در صف واحدی قرار گرفته اند تا موج انقلاب و خیزش انقلابی مردم به جان آمده را پشت سر بگذارند. پروژه دوم خرداد بر این بستر شکل گرفت، پروژه شیرین عبادی در این بستر بود و امروزه پروژه فراندوم نیز در این

بستر است.

اما با این حال وضعیت امروز به گونه دیگریست. متفاوت است. وضعیت امروز دور تازه و در عین حال نهائی چنین پروژه هایست. همه می خواهند از این وضعیت بدر آیند. کل جامعه را انقباض عظیمی در بر گرفته است. همه خسته اند، همه بیزارند. از حکومتی ها و معماران آن گرفته تا مردم و راست و چپ جامعه، همه در انتظار و در پی تغییرند. وضعیت امروز از نظر کل جامعه غیر قابل تحمل و غیر قابل دوام است. مردم آزادیخواه و برابری طلب، کارگران، زنان و جوانان بیزار از رژیم اسلامی سرمایه داران، افق اجتماعی خود را در روند رو به رشد اعتراضات خویش بر گزیده اند. برای رهایی از وضعیت موجود به چپ چرخیده اند. در فضای حاکم بر اعتراضات بخشهای مختلف جامعه از تاثیر گذاری هیچکدامیک از طیفهای راست خبری نیست. این جنبش کمونیزم کارگری و حزب کمونیست کارگریست که با شتابی روز افزون، میرود تا رهبری تغییرات بنیادی در جامعه را بر عهده گیرد.

از طرف دیگر در آنسوی تلاش تعیین یافته طبقه کارگر و همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب برای ایجاد تغییرات بنیادی، راست جامعه بیش از هر زمان دیگری برای حفظ بنیادهای نظام سرمایه داری در ایران به تلاطم افتاده است. به نظر میاید راست جامعه در کلیت غالب خود اینبار در قالب فراندوم، مسئله اش خنثی سازی اعتراضات انقلابی مردم در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی نیست. اینبار کل جامعه را انقباض عظیمی فرا گرفته، این دور آخر است، لبه های پله آخر است، دور نهائی تعیین تکلیف آینده سیاسی ایران است. با توجه به چرخش عینی جامعه به چپ و میداندار شدن کمونیزم کارگری در طول دو سال گذشته و سیر صعودی و پرشتاب رویکرد جامعه به افق کمونیزم کارگری (فاکتوری که در سالهای قبل از خرداد و تیر ۸۲ به چنین رشدی نرسیده بود) و همچنین روند

رو به گسترش و تعمیق اعتراضات مردمی و در ماندگی پر شتاب و رو به تزیاید رژیم با پروژه هایی مانند سالهای گذشته برای حفظ وضعیت موجود، اینبار مسئله راست پرو غرب در خارج و داخل حکومت و جنبش ملی اسلامی و... به طور عینی و پراتیکی و سر راست حفظ اساس نظام سرمایه داری در ایران با هر حربه ایست. از این روست که معماران رژیم اسلامی طرح تدوین قانون اساسی جدید و فراندوم را در دستور میگذارند و بلافاصله ندای لبیک گویان راست پرو غرب سر به آسمان می ساید. از این روست که رضا پهلوی مرتب در محافل سیاسی حاضر شده و فتوایی را با صراحت بیشتتری میدهد. وی میگوید نیروهای سرکوب نگرانی نداشته باشند، آنها بر سر جای خود باقی خواهند ماند. (به نقل از مضمون) می گوید: دو تا کمپ داریم، استبداد و دموکراسی، با گذشته هیچکس کاری نداریم، این طرف هستی یا آنطرف، مهم فقط همین است (به نقل از مضمون). این دست و آن دست کردن برای کلیت راست در جامعه دیگر خطرناک است. زد و بند راست پرو غرب با بخشهایی از باندهای مافیایی حاکم بر ایران در قالب پروژه فراندوم برای عبور نهایی از بالای سر انقلاب مردم و عقیم گذاشتن این انقلاب به هر وسیله ممکن. این پلانفرم راست جامعه در کلیت غالب آن، حکومتی و غیر حکومتی، اصلاح طلب و اپوزیسیونش میباشد. معترفند با

وجود حاکمیت رژیم اسلامی در قالب فعلی آن فراندوم امکان پذیر نیست. همه شان اینرا میدانند، هم معماران رژیم و هم راست پرو غرب اپوزیسیون و بیرون حکومت. باید شرایط لازم برای فراندوم مهیا شود. زمینه چنین فراندومی به جز با بند و بست راست پرو غرب در اپوزیسیون که حمایت غرب را پشت سر خود دارد با بخشهایی از باندهای مافیایی حاکم بر قدرت در ایران فراهم نخواهد شد. اینرا طراحان فراندوم در داخل نیز میدانند و به خوبی به آن واقفند. تنها یک کودتای خزنده و آرام با کمترین تکان اجتماعی پیش زمینه انجام چنین فراندومی میتواند باشد. این تیر آخر ترکش راست جامعه در کلیت آن برای حفظ و بقا اساس نظام سرمایه داری در ایران است.

باید با تمام قدرت در مقابل تازه و به عبارتی نهایی آرایش راست جامعه برای جابجایی قدرت ایستاد. باید با تلاشی روز افزون برای خیزش عمومی و تحقق کامل و تمام عیار انقلاب در ایران با افق کمونیزم کارگری، جلوی بقای بردگی سرمایه داری در ایران را گرفت. نباید گذاشت سرنوشت جامعه را برای یک دوره دیگر، بردگی مزدی و اسارت و فلاکت انسانها رقم بزنند. این مسئله به عنوان امری فوری و عاجل دست همه انسانهای شریف و آزادیخواه را میبوسد. \*

### تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: horizontal